

## کنترل مصرف انرژی در ایران با کدام برنامه؟

به باور کارشناسان و صاحب نظران انرژی کشور در صورت ادامه روند مصرف انرژی در طی دهه آینده، ایران از صادرکننده نفت خام و فرآورده‌های نفتی به واردکننده نفت خام و فرآورده‌ها تبدیل می‌شود. آیا از این روند گریزی نیست؟  
با نگاهی اجمالی به نظر می‌رسد با تداوم مصرف فعلی و روند رو به افزایش آن در سال‌های بعد تبدیل شدن ایران به وارد کننده نفت خام و فرآورده‌های نفتی اجتناب ناپذیر خواهد بود. توجه به آمار مصرف انرژی در کشور طی سالهای اخیر نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد مصرف انرژی افزایش یافته و این درحالیست که رشد تولید ناخالص ملی ۵ تا ۶ درصد برآورد شده است. از طرفی شدت مصرف انرژی در ایران نسبت به متوسط جهانی طبق تازه ترین آمارهای موجود نیز بالاتر است و برنامه‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی اگر چه طی دهه گذشته دنبال شده است اما هنوز از انسجام و شتاب لازم برخوردار نیست.

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا فقط با افزایش آگاهی‌های عمومی می‌توان کاهش مصرف و اتلاف انرژی را شاهد بود؟ و یا افزایش آگاهی و حساسیت عمومی در خصوص مصرف بهینه انرژی به چه میزان از اتلاف و هدرزروی انرژی می‌کاهد؟ آیا واقعی کردن قیمت‌ها و حذف یارانه‌های انرژی که در سال ۸۶ معادل ۴۶۹ هزار میلیارد ریال برآورد شده، به چه ترتیب دولتمردان را در تحقق آنچه در نظر دارند و یا برنامه‌های توسعه کشور به آنها تکلیف کرده است را یاری خواهد داد؟

همچنین ممکن است این سوال نیز به ذهن‌ها متبادر شود که تدوین و اصلاح قوانین و مقررات برای تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز اصلاح الگوی مصرف چه میزان می‌تواند در جلوگیری از اتلاف انرژی و کنترل مصرف ایفای نقش کند؟ همچنین آیا می‌توان از دانش و تکنولوژی روز در زمینه بهینه‌سازی و کنترل مصرف انرژی کم بهره بود؟ نقش سرمایه‌گذاری و تعامل با صاحبان دانش فنی و مراکز علمی و تحقیقاتی برای پیشبرد برنامه‌های کنترل و مصرف انرژی چیست؟

بدیهی است ابعاد این موضوع مهم چند وجهی است که پیشبرد و کنترل آن علاوه بر مدیریت آگاه و جامع نگر نیازمند تدوین گام‌های مطمئن و برنامه‌ریزی شده برای فائق آمدن به مشکلات دهه آینده در زمینه انرژی کشور است. نتیجه بعضی از تحقیقات در سالهای گذشته نشان می‌دهد که درصد بالایی از گلوگاه‌ها و موانع پیشرفت در اصلاح الگوی مصرف در مقوله نیروی انسانی و آن هم درون سازمانی است.  
کشورمان در سال ۸۶ معادل ۲۸۲۳ میلیون بشکه نفت خام، انواع حامل‌های شامل نفت و گاز طبیعی، ذغال‌سنگ و دیگر انرژی‌ها را تولید کرده است. آیا نمی‌توان با اعمال مدیریت صحیح و ارتقای نیروی انسانی کارآمد امکان ۳۰ درصد صرفه جویی در مصرف انرژی را در ایران فراهم آورد؟ آیا مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌تواند این روند را تسهیل کند؟ آیا بدون مراجعه به تجربیات موفق در دنیا و بررسی انطباق آن با شرایط فعلی کشور این مهم انجام پذیر خواهد بود؟ همچنین موضوعات دیگری نظیر امکان جذب منابع مالی و تشویق سرمایه‌گذاری می‌تواند روندهای موجود را برای کاهش و کنترل مصرف انرژی تسریع کند؟ و چه تمهیداتی برای جذب بیشتر منابع مالی و تشویق سرمایه‌گذاری در خصوص بهینه‌سازی مصرف انرژی باید اندیشیده شود؟

نقش واحد بهینه‌سازی مصرف انرژی در صنعت نفت و نحوه ممیزی انرژی در واحدهای صنعتی و تولیدی چگونه باید باشد؟ چرا تاکنون تدوین معیارهای مصرف انرژی برای تولید نفت و گاز تا کنون انجام نشده است؟ برنامه‌ریزی مناسب و منسجم، نظارت و ارزیابی اجرای برنامه و اصلاح آن در صورت نیاز برای رسیدن به اهداف تا چه حدی می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ به نظر می‌رسد دولتمردان در دولت دهم که در آینده نزدیک فعالیت خود را دنبال می‌کنند باید به این مسائل توجه جدی و لازم معطوف دارند. بی‌شک عدم حضور در بازار انرژی جهان برای دهه آینده برای کشورمان مطلوب نخواهد بود.

به علاوه اگر بناست ایران به کریدور انرژی منطقه برای این نیازهای مصرف کننده گان مطرح جهان تبدیل شود باید بتواند میزان و مبادی عرضه را افزایش و تنوع بخشد. حضور موثر در مجامع و مراکز تصمیم‌گیری بین‌المللی می‌تواند گزینه‌های مناسب را پیش روی دست اندرکاران انرژی کشور قرار دهد. نقش آفرینی در بازار تولید و عرضه جهانی نیازمند هوشیاری و هوشمندی مدیران ارشد و صرف توان لازم برای به روز نگه داشتن اطلاعات و ملاحظه و بررسی دقیق دیدگاه‌های صاحبانظران این عرصه در سطح جهانی است.

باید گام‌های آتی برای حضور موثر در عرصه انرژی جهان و کنترل مصرف داخلی دقیق، آگاهانه و بالاخره جوانب مختلف آن مورد توجه سیاست‌گذاران و دولت‌مردان قرار گیرد تا کشورمان بتواند با بهره‌برداری بهینه از منابع خداداد انرژی با مدد از آینده‌نگری صاحبانظران و متخصصان این عرصه به جایگاه مناسب و قابل خود در سطح بین‌المللی دست یابد.